

تفریحی که عبدالعزیز را سلطان نجد کرد!

عراق به فیصل پسر شریف حسین سپرده شد تا تحت قیمومیت بریتانیا در آن جا حکومت کند. منقله میان فلسطین، سوریه و عراق که به عنوان یک «منطقه بی‌صاحب» معرفی شده بود، به نام امیرنشین «لوارای اردن» نامگذاری و به پسر دیگر شریف به نام عبدالله داده و شریف حسین هم به عنوان پادشاه حجاز به رسمیت شناخته شد.

کاکس پیشنهاد کرد که به عبدالعزیز نیز در مناطق تحت حکومتش چنین عنوانی داده شود، بنابراین عبدالعزیز در نجد به رسمیت شناخته شد. اما از نگاه عبدالعزیز، قاهره او را در محاصره قرار داده بود. عبدالعزیز به همین ریاضی در این باره گفت: «آنان مرا تسلیم دشمنان نموده‌اند… خود پیرمرد سفیدموی در مکه … عبدالله پسرش در ملواری اردن و پسر با برزوه‌های مسودی – که از خلا پیش آمده در هیل باخبر شده بودند

در برابر فیصل در عراق.»^{۱۰۷}

برای عبدالعزیز دیگر امکان نداشت که به قلمرو شریف دست درازی کند. بریتانیا به وضوح حمایتش را از شریف نشان داده بود. در همین زمان توافق عبدالعزیز با دولت بریتانیا که با پرداخت لیره‌های انگلیسی تضمین می‌شد، باعث شد تا او به طور موقت چشم بر حجاز ببندد. وزیر مستعمرات بریتانیا «مستر امری» درباره علت پرداخت لیره‌های انگلیسی به عبدالعزیز، به صراحت گفته است که این لیره‌ها به چندین علت به پادشاه سعودی داده می‌شد، اول این که او را در جنگ بر ضد ترکیه عثمانی یاری کند، دوم، پس از پایان جنگ بر ضد حجاز، عراق و کویت شورش نکنند و رانگهداری راه زائران خانه خدا در سرزمین نجد مساعادت کند و دست آخر این که در سیاست خارجی‌اش از خواسته‌های بریتانیا پیروی کرده و در ترویج سیاست خاص انگلیس در مسورد حکمفرمایی صلح و آشتی در کشورهای عرب بکوشد.^{۱۰۸}

این قرارداد در عمل عبدالعزیز را بیشتر از قبیل بسه عنوان تحت‌الحمایه در اختیار انگلستان قرار می‌داد. علاوه بر تعیین ولیعهد با وفادارت و نه حتی اجازه داشت که اراضی‌اش را بدون رضایت انگلستان فروش، رهن و اجاره دهد.

با این حال اگرچه قرارداد فوق عبدالعزیز را از تعدی و تجاوز به همسایگان خود در بحرین، کویت، قطر، عمان، حجاز و دیگر شیخ‌نشین‌های تحت حمایت انگلستان محافظت می‌کرد اما دست او را در حیل، منطقه از اراضی آزاد می‌گذاشت.

با خروج ترک‌ها نیروهای حامی رشید در منطقه هیل، تنها بودند. اگر او به هیل دست می‌یافت، با دستیابی به کوه‌های شهر سبیری طبیعی بین شریف حسین و مرزهای نجد را در اختیار می‌گرفت.

چه کسی تصور می‌کرد که ماجرای یک تیراندازی تفریحی به عوض شدن تاریخ در هیل بینجامد؟! در بهار ۱۹۲۰ سعودین رشید در یک مسابقه تیراندازی، یکی از عموزاده‌هایش را به دلیل نشانه‌گیری غلط مورد تمسخر قرار داد. بلافاصله پسر عموی حساس که احساس

قاضی: البته لباس بسیج تنش بوده است. فیلم هم گویای این مسئله است.

وکیل: بله، این را که موکل می‌گوید متوجه نشده است.

قاضی: قایل هست. بله.

وکیل: آقای رئیس، من منکر اشتباه موکل نیستم. من در فیلم دیدم که نتیجه‌اش اشتباه موکل هم نیستم چون من می‌دانم توجیه اشتباه عمق اشتباه را بیشتر می‌کند. موکل یک ضربه به یکی از مأمورین زده است. مأموری که مورد ایراد ضرب قرار گرفته است آمد در تلویزیون و از همه گذشتت کرد حتی آنهایی که او را مورد ایراد ضرب قرار دادند. آن بسیجی بزرگوار می‌بود که گذشت کرد از حق خودش. نظام اسلامی آن‌قدر مقتدر هست که از پرتاب یک سنگ و یا یک سیلی نلرزد و عمل موکل باعث سلب اعتماد عمومی از دادستان دارند. اقتدار واقعی آن هست که نگاه‌کاریانی مثل موکل را که در یک راهپیمایی شرکت کرده‌اند و با سنگی پرتاب کردند بعد از دو ماه بازداشت مورد تعقیب و مجازات قرار نگیرند. بزرگی و اقتدار نظام در اعمال مجازات‌های سنگین نیست. در بخشیدن است، در ننجکیدن است. عمل موکل از مصادیق بارز ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی است که همان‌طور که قبلا عرض کردم در مورد موکل‌های دیگر هم ناظر به قانون وصول برخی درآمدهای دولت است و قاضی را در این مورد مخیر کرده است که مجازات را هم حتی به جزای نقدی تبدیل کند. با عنایت به وضعیت خاص موکل من و با توجه به طول مدت بازداشت او و اظهار تنبیهی که کرده است و با توجه به سن و سالی و وضعیت خانوادگی‌ای که دارد با عنایت به گذشتت شاکی خصوصی تقاضای ارفاق قانونی دارم. مسوکل اظهار ندامت کرده و تقاضا دارم دادگاه رأی مقتضی را صادر نماید. متشکرم

قاضی: تشکر، آقای ورشوچی، اتهامات قرائت شد، آخرین دفاعیات خودتان را بیان کنید!

متهم: من که شدیدا نادم و پشیمان هستم از وقایعی که کلا در کشور اتفاق افتاده و من هم تصویر در این وقایع ثبت شد. در تحریق اموال عمومی شرکت نداشتم، در تخریب اموال عمومی شرکت نداشتم. به شدت نادم و پشیمان هستم و تقاضای بخشش و رافت اسلامی از دادگاه محترم دارم.

متهم مهرداد اصلانی

قاضی: آقای مهرداد اصلانی، در جایگاه قرار بگیرند، معاون محترم دادستان، کیفرخواست افرادی را قرائت فرمایند!

الف: هویت متهم: مهرداد اصلانی فرزند غلامرضا، اهل و ساکن تهران، ۲۲ ساله، زندانی تحت قرار بازداشت موقت، فاقد سابقه کیفری، شغل مدیر روابط عمومی شرکت تبلیغاتی و متأهل
ب: اتهام متهم: ۱- اقدام علیه امنیت کشور از طریق اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت عمومی. ۲- فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از طریق شرکت در جمعرات غیرقانونی و ایجاد شبهه جعل و تقلب در نتیجه انتخابات و سلب اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت و مراجع رسمی کشور. ۳- اخلال در نظم عمومی از طریق بلوا و آشوب و حرکت‌های غیرمتعارف و ایجاد ترس و وحشت در جامعه. ۴- مشارکت در تخریب و احراق اموال دولتی، عمومی و خصوصی.
ج: زمان و مکان دستگیری متهم: زمان سو و یکم خرداد ۸۸، مکان تهران.

د: دلایل مستندات اتهام: شناسایی متهم به عنوان یکی از عوامل اصلی اغتشاش توسط مأمورین، که با عضویت در سازمان رأی ارسال پیام به شبکه خبری BBC در تحریک به آشوب نقش ایفا نموده است. ۲- شرکت در اغتشاشات و اقدامات مجرمانه انتسابی را قبول نموده است. ۳- اقرار و اعتراف به اعمال انتسابی ضمن تحقیقات قضایی و اطلاعاتی. ۴- سایر قرائن و امارات مطروحه در پرونده.

۵- دلایل قانونی درخواست مجازات و کیفر: اتهامات نامبرده



نیمهٔ پنهان

دربار شیطان

دفتر پژوهشهای موسسه کیهان

پیدا و پنهان شکل گیری وهابیت

کرد تحقیر شده است، تفنگ را به طرف پیشانی سعود نشانه رفت و شلیک کرد. بردگان سعود سوءقصد کننده را کشتند اما برای جانشین سعود^{۱۰۹} که پسرک ۱۳ ساله‌ای بیشتر نبود، جمع کردن نیرو و مقابله با نیروهای سعودی – که از خلا پیش آمده در هیل باخبر شده بودند – کار ساده‌ای نبود. در ماجرای حمله به هیل، جانشین نوجوان فرار کرد اما محمدبن طلال، برادر پسری که سعودبن رشید را کشته بود، هدایت نیروها را در دست گرفت و دفاع جانانه‌ای را شروع کرد. اما با خیانت تاجران که نمی‌خواستند مورد خشم اخوان که همراه فیصل‌الدویش از

چه کسی تصور می‌کرد که ماجرای یک تیراندازی تفریحی به عوض شدن تاریخ در هیل بینجامد؟! در بهار ۱۹۲۰ سعودین رشید در یک مسابقه تیراندازی، یکی از عموزاده‌هایش را به دلیل نشانه‌گیری غلط مورد تمسخر قرار داد. بلافاصله پسرعموی حساس که احساس کرد تحقیر شده است، تفنگ را به طرف پیشانی سعود نشانه رفت و شلیک کرد.

الراطویه آمده بودند، قرار بگیرند، دروازه‌های شهر به روی دشمن باز و چند روز بعد محمدبن طلال نیز تسلیم شد.

با فتح هیل، عبدالعزیز که قلمرواش دو برابر شده بود، صاحب عنوان جدید «سلطان نجد» شد. یکی از زیر‌کانه‌ترین کارهای عبدالعزیز به دست آوردن وفاداری دشمنانش بود. او محمدبن طلال را در حالی که امکان مرگش حتمی بود، بخشید و به همراه همه خاندان رشید در قصر خودش جای داد تا برای همیشه فکر بازپس‌گیری هیل و انتقام از پدر این خانواده بیفتد. این جمله از سلطان زیرک نجد شنیدنی است: «وقتی آن‌ها ما را تنبیه می‌کردند، حسان انتقامجویی ما برانگیخته می‌شد. بنابراین ما نباید آن‌ها را مجازات کنیم.»^{۱۱۰}

او کمی بعد با بیوه رشید ازدواج کرد و فرزندانش را در کنار فرزندان خودش به سبک خاندان سعود پرورش داشت. در این جنگ دو زن دیگر از خاندان رشید بیوه شده بودند که با برادر و یکی از پسران عبدالعزیز ازدواج کردند.

منابع در دفتر روزنامه موجود است

۶۸۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۲۰ و با رعایت مواد ۴۲، ۴۷ و ۴۶ قانون مرفوع، بناء علی هذا با توجه به مطالب صدرالذکر و مجموع محتویات پرونده به لحاظ اهمیت موضوع و میزان خسارت وارده به کشور و اعتماد عمومی جامعه و هم‌سویی با رسانه‌های معاند و گروه‌های مخالف نظام و اخلال شدید در نظم و امنیت جامعه، محاکمه و اشد مجازات را برای متهم مذکور درخواست دارم.

قاضی: آقای مهرداد اصلانی، ابتدا کاملا خودتان را معرفی کنید!

دفاعیات متهم

متهم: مهرداد اصلانی هستم فرزند غلام‌رضا متولد ۱۳۶۵ بنده مجرد هستم نه متأهل.

قاضی: اتهامات شما دایر بر: اُمتن کیفرخواست قرائت شده‌ا، دفاعیات خود را بیان کنید!

پاورقی

Research@kayhan.ir

جمع بندی
بنابراین با توجه به مطالب گذشته می‌توان گفت زمینه‌های پیدایش خواص و شخصیت‌های برجسته اسلامی در صدر اسلام امور زیر بوده‌اند:
سبقت در اسلام، هجرت از مکه به مدینه قبل از فتح مکه، تحمل شکنجه و زندان در سال‌های آغازین بعثت، شرکت در جنگ‌های نخست صدر اسلام، عضویت در میان انصار، برخورداری از فضائل علمی و عملی، نزدیکی و ارتباط با پیامبر(ص)، عضویت در میان کارگزاران رسول خدا(ص)، تأیید و تمجید و یا اشارات قرآن مجید نسبت به برخی از گروه‌ها و افراد، تبلیغات دروغین و شخصیت‌تراشی.
برخی از اسناد تاریخی به طور بسیار صریح و رسا نشان می‌دهند که امور فوق در شکل‌گیری خواص و برجستگی و امتیاز مسلمانان بر یکدیگر نقش بسزایی داشته است از جمله این اسناد، کلام قیس بن سعد بن عباده^{۱۰} در صفین است، طبق اسناد برجای مانده در جنگ

صفین بیشتر انصار شرکت کننده در جنگ در سپاه علی(ع) می‌جنگیدند، تنها دو تن از چهره‌های انصار به لشکر معاویه پیوسته بودند یکی نعمان بن بشیر بن سعد و دیگری محمد بن مسلم بود، معاویه نعمان بن بشیر را فرستاد تا آمد

سپاه علی(ع) صحبت کند و آنها را از حمایت علی(ع) منصرف نماید، وی آمد میان دو لشکر ایستاد و قیس بن سعد بن عباده را که یکی از فرماندهان سپاه علی(ع) در صفین و از رؤسای انصار به شمار می‌آمد صدا زد، و سعی کرد آنها را از حمایت علی(ع) منصرف کند، قیس در پاسخ نعمان سخنانی گفت که

عوامل برجستگی و امتیاز اشخاص و پیدایش خواص در صدر اسلام را نشان می‌دهد. قیس در پاسخ نعمان گفت:
« نعمان ببین، آیا در کنار معاویه کسی جز (بقایای حزب) طلقا^{۱۱} کسانتی که به زور شمشیر مسلمین در روز فتح مکه اسلام آورده‌اند و رسول خدا(ص) آنان را آزاد گذارد) و عرب‌های بدوی و بیابانی و یا یعنی‌هایی که فریب خوردند می‌بینی، نگاه کن) بین مهاجرین و انصار و تابعین به نیکوکاری کسانتی که خدا از آنها راضی نشده کجا هستند، بعد (نگاه بینداز،) بین غیر از خودت و مصاحبت [محمد بن مسلم] کسی را می‌بینی، در حالی که شما دو نفر هم از در عین اینکه از انصار هستید! والله نه جزو رزمندگان جنگ بدر هستید و نه از احدی‌ها می‌باشید، و نه سابقه (درخشانی) در اسلام دارید و نه آیه‌ای در قرآن در شأنتان نازل گردیده است.»^{۱۲}

این جملات به وضوح نشان می‌دهد که مهاجرین و انصار و تابعین و رزمندگان جنگ بدر واحد و احد و کسانتی که سوابق درخشانی در نصرت اسلام داشتند و آنها که آیه‌ای در شأن آنان نازل گردید، از شخصیت‌های برجسته و نافذ جامعه شمرده می‌شدند، به طوری که قیس برای اثبات حقانیت علی(ع) حضور این افراد را در سپاه علی(ع) به عنوان دلیل حقانیت علی(ع) مطرح کرد. و عدم حضورشان را در میان سپاه معاویه شاهد گمراهی و ضلالت معاویه دانست، به علاوه از سخنان قیس استفاده می‌شود که در میان مهاجرین و انصار و تابعین، کسانتی که در جنگ بدر واحد شرکت داشته و یا سوابق چشمگیر بود از موقبولیت و درخشش و امتیاز بیشتری برخوردار بودند، روی این جهت قیس به نعمان گفت گرچه در میان لشکر معاویه شما و دوست محمد بن مسلم به عنوان دو تن از انصار حضور دارید ولی این حقانیت معاویه را اثبات نمی‌کند چرا که شما دو نفر نه در جنگ بدر شرکت داشتید و نه در احد، نه سوابق درخشانی در اسلام دارید و نه آیه‌ای از قرآن در شأن شما نازل گردیده، بنابراین هم‌وایی و همراهی شما با معاویه اهمیت چندانی ندارد و عمل زشت و کره معاویه را زبیا جلوه نمی‌دهد.

شاهد دیگر نامه امام حسن(ع) در آغاز خلافتش به معاویه است که نشان‌دهنده نقش فضیلت علمی و سابقه در اسلام، در موقعیت و نفوذ اجتماعی افراد پس از رحلت رسول خدا(ص)، است، امام(علیه‌السلام) در این نامه در مقام بیان علت سکوت اهل‌بیت در مقام غضب خلیفه اول و دوم و



نیمهٔ پنهان

۲۸۴۲

حجت‌الاسلام دکتر جواد سلیمانی‌امیری

ریزش خواص در حکومت علوی

نقش فضیلت علمی و سابقه در اسلام در موقعیت و نفوذ اجتماعی افراد

*** زمینه‌های پیدایش خواص و شخصیت‌های برجسته اسلامی در صدر اسلام امور زیر بوده‌اند، سبقت در اسلام، هجرت از مکه به مدینه قبل از فتح مکه، تحمل شکنجه و زندان در سال‌های آغازین بعثت، شرکت در جنگ‌های نخست صدر اسلام، عضویت در میان انصار، برخورداری از فضائل علمی و عملی، نزدیکی و ارتباط با پیامبر(ص)، عضویت در میان کارگزاران رسول خدا(ص)، تأیید و تمجید و یا اشارات قرآن مجید نسبت به برخی از گروه‌ها و افراد، تبلیغات دروغین و شخصیت‌تراشی.**

سوم می‌فرماید:

« سا در آن روزی که جمعی حق ما و حکومت خاندان ما را باغصانه مورد دستبرد ساخته‌اند، بسی در شگفت بودیم لیکن از آنجا که آنها مردمی با فضیلت و با سابقه در اسلام بودند از منازعه با ایشان چشم پوشیدیم.»^{۱۳}

یعنی فضل و دانش آنان نسبت به احکام و معارف اسلام و سوابقی که آنان در نصرت اسلام داشتند مقام و منزلت اجتماعی آنان را به قدری بالا برده بود که اگر اهل‌بیت(علیهم‌السلام) با آنان مخالفت می‌کردند، در جامعه تفرقه و اختلاف پیش می‌آمد عدای از مسلمین به حمایت از خلفا با اهل‌بیت و حامیانشان در گیر می‌شدند و این خود ضربه‌ای مهلک‌تر از غضب خلافت بر بزرگی نونباید اسلام می‌زد، م‌ا که اینکه علی(ع) در بیان فلسفه سکوت تلخ بیست و پنج ساله خویش در برابر اصحابی که خلافتش را غصب کرده بودند، می‌فرماید:

«فرأیت ان الصبر علی ذلک افضل من تفریق کلمة المسلمین و سفک دماهمم و الناس جدیدوا عهد بالاسلام و الدین یخض الوطی یفسده اثنی و هن وبعکسه اول خلق!»^{۱۴}
دیدم صبر از تفرقه کلمه مسلمانان و ریختن خونشان بهتر است، مردم تازه مسلم‌اند و دین مانند مشکي که تکان داده می‌شود. کمترین سستی آن در آیهات و کوچک‌ترین فردی آن را وارونه می‌کند».

محمد بن ابی‌بکر پیش از جنگ صفین در نامه‌ای به معاویه نوشت:

«شاهد حقانیت علی علاوه بر فضل و دانش مبین و سابقه دیرینه‌اش یارانی از مهاجر و انصارند که برتریشان در قرآن یاد شده و خاندانش ستایش‌شان کرده‌است.»^{۱۵}
این جملات به وضوح درخشش و موقبولیت و دانش و سوابق درخشانی در خدمت نبی به اسلام، جزء مهاجران و انصار بودن از بهترین زمینه‌های به وجود آمدن شخصیت‌های ممتاز و بانفوذ و خواص در تاریخ اسلام بوده است. به‌علاوه تأثر و نقش تعریف و تمجیدهای قرآن مجید از مهاجران و انصار را در ارتقاء پایگاه و جایگاه اجتماعی آنان به اثبات می‌رساند.

وقتی تعدادی از شاگردان در جنگ صفین زیاد شد، معاویه نعمان بن جبله توخوی برچمدار قوم تنوخ و بهراه را خواست و گفت می‌خواهم کار قوم تو را به

من نمی‌دانم این که سهم آنها در این آشوب‌ها چهقدر است؟ آیا سهم آنها بیشتر از ما جوان‌ها که فریب سخنان این‌ها را خوردیم نیست؟

جناب آقای قاضی، موضوع تقلب از سوی کسانتی مطرح شد که از شخصیت های بزرگ نظام بودند. شخصیت‌های شناخته شده‌ای که مورد اعتماد بودند و واقعا کمیته صیانت از آرا را همین‌ها تشکیل دادند، واقعا باعث شد که القا بشود به امثال من جوان و کلیه دوستانی که این‌جا هستند که تقلب دارم صورت می‌گیرد. قبول دارم که ما اشتباه کردیم، ما خطا کردیم، باید بیشتر فکر می‌کردیم اما قبول کنید که طبیعی است که ما براساس اعتمادی که به این‌ها داشتیم، دچار فریب و انحراف شدیم. جناب آقای قاضی، یکی از دلایلی که می‌خواستیم صحبت کنیم این بود که یکی از این آقایان سیاسی صحبت کرده بودند که من و جوانان امثال من شما را همجون پدر خود می‌دانیم و اینک که در این شرایط قرار دارم از شما رهبر و پدر بزرگوار خواسته‌ای دارم و آن این که همان‌طور که شما در سخنرانی ۱۳ ژنب، ولادت حضرت علی(ع) فرمودید، ما جوانان فرزندان این انقلاب و فرزندان شما هستیم، به این که با یک اشتباه از سوی من و امثال من مورد مجازات قرار نگیریم و این [بل] که عاملان اصلی این فتنه و آشوب مجازات شوند.

آقای قاضی، همه به این امر واقف هستند اگر برخی از نامزدها نتیجه انتخابات را می‌پذیرفتند و تمکین می‌کردند به قانون، شیرینی این حضور پرشکوه و ۸۵ درصدی به کام مردم ما تلخ نمی‌شد. جناب آقای قاضی، من از آن پدر فرزانه و بزرگوار، درخواست دارم با بخشش جوانان این مرز و بوم که آینده‌سازان این مملکت هستند باعث شوند من و امثال من بار دیگر به آغوش جامعه اسلامی و خانواده‌هایمان باز گردیم و اشخاصی که پایه‌گذار این اشتباه و این فتنه بودند، مورد مجازات قرار گیرند.

قاضی: اصلی در ارتباط با سازمان رای و…

متهم، اصلانی، آقای قاضی، من عرض کنم که انتخابات سوم شورا‌ها بود‌که یکی از آشنایان من آمد و گفت: یک تعداد اسم می‌دهید رای می‌دهند به لیست اصلاح‌طلبان در شورای سوم. بنده دیگر هیچ فعالیت در این زمینه نداشتم چون بعد از آن به خدمت مقدس سربازی اعزام شدم، هیچ فعالیتی نداشتم و این که در مورد ارسال ایمیل به شبکه بی بی‌سی، بله، من قبول دارم در این زمینه اشتباه کردم و خواستار عفو هستم.

قاضی: بعد از انتخابات ایمیل‌زدی؟

متهم: بله.

قاضی: چه تعداد؟

متهم: یک ایمیل قبل از انتخابات و دو ایمیل بعد از انتخابات.

قاضی: با چه مضمونی؟

متهم: مضمونش که واقعا یکی این بود که تماس می‌گیرم. این عرض کنم که آقای قاضی، واقعا من فکر می‌کردم اگر با این مضمونی که عرض می‌کنم.

خدمتتان، فرستادم مضمونش درست نبود و خواهش می‌کنم. در داخل دادگاه ارائه ندهند، فکر می‌کردم. واقعا ناراحت بودم.

جناب آقای قاضی، این را مطمئنا کارشناسان و بازرخواست من و امثال من در داخل پرونده نوشته‌اند، بنده از همان اول که آمدم تمام را صافدانه خدمتتان عرض. کردم، من فکر می‌کردم اگر از این شبکه انتقاد کنم نمی‌توانم صحبت کنم. خیلی متأسف بودم این شبکه یک جنگ را ایجاد کرده بود و می‌خواست این اعتراضات را به آشوب بکشند و صحنه‌های خیلی بدی را نشان می‌داد.

فکر می‌کردم با این نحوه فرستادن ایمیل به آنها با من تماس می‌گیرند و من اعتراض را نسبت به آنها اعلام می‌کنم اما این‌جا متوجه شدم که کارم اشتباه بوده است.

قاضی: از وکیل محترم درخواست می‌شود در جایگاه قرار بگیرند و دفاعیات خودشان را اعلام کنند!

صحه ۶

دوشنبه ۸ تیر ۱۳۹۴

۱۲ رمضان ۱۴۳۶ – شماره ۹۵-۲۱

شخص دیگری که پاک‌بازتر و خوش‌قدم‌تر از تو باشد بسپارم؛ نعمان عصبانی شد^{۱۶} و در شأن و فضیلت و برتری علی(علیه‌السلام) به معاویه گفت: «برای پادشاهی تو با پسرعموی پیغمبر خدا(ص) و اولین کسی که به او ایمان آورد و با مهاجرت کرد به جنگ برخاستم، اگر به جای پشتیبانی از او از پشتیبانی می‌کردم با رعیت مهربان‌تر و در کار عطا بخشنده‌تر بود.»^{۱۷} یعنی از دیدگاه نعمان به عنوان یک عرب تنگ‌فکر ریشه برتری و برجستگی شخصیت علی(ع)، پیوند خویشاوندی با رسول خدا(ص) و سبقت در ایمان و هجرت است.

نمونه‌هایی از این دست نشان می‌دهد که چگونه پدیده‌هایی چون نزدیکی و قرابت با رسول خدا(ص) سبقت در پذیرش اسلام و هجرت منشاء پیدایش خواص شد، و در نفوذ شخصیت‌های صدر اسلام در کانون دل‌های مردم اثر گذاشت به‌گونه‌ای که فرای چون نعمان بن جبله

که فرماندهی بخشی از سپاه معاویه را به عهده دارد، خویشاوندی علی(ع) با پیامبر(ص) و سبقتش در پذیرش اسلام و هجرت کردنش با رسول اکرم(ص) او را تحت تأثیر شدید شخصیت علی(ع) قرار می‌دهد. البته موارد فوق تنها زمینه‌های پیدایش و رشد خواص در عصر پیامبر(ص) به شمار می‌آیند و الا زمینه‌های نمو خواص جامعه اسلامی تا سال ۴۰ هجری منحصر به همین‌ها نمی‌گردد، چرا که پس از رحلت رسول خدا(ص) اکثر ولایان و فرماندهان نظامی فتوحات و فقه‌ا، بَهاذ، علما و ققات شهرها در زمان سه خلیفه اول و امام علی(ع) به طور طبیعی به علت موقعیت های علمی، دینی، اخلاقی، و سیاسی شان در رزمه شخصیت‌های بانفوذ جامعه قرار گرفتند.

از این‌رو کارگزاران ابوبکر افرادی همچون عتاب بن اسید (والی مکه)، عثمان بن ابی‌العاص (والی طائف)، حذیفه بن محسن (فرماندار عمان)، علاء بن حضرمی (والی بحرین)، خالد بن ولید (فرمانده سپاه شام)، مثنی بن حارثه شیبانی (والی کوفه)، سُؤید بن قُبطه (والی بصره) ^{۱۸} از خواص جامعه شمرده می‌شدند. و با اعمال عمر افرادی مثل سعد بن ابی‌وقاص (والی کوفه)، ابوموسی اشعری (والی بصره)، عُمریر بن سعد انصاری (والی حصص)، زیاد بن لبید (والی بخشی از یمن)، ابوهزیره (والی عمان)، نافع بن حارث (والی مکه)، یعلی بن منبیه تمیمی (والی صنعاء)، حارث بن ابی‌العاص ثقفی (والی بحرین)، عبدالله بن ابی‌ربیع (فرمانده سپاه عمر)^{۱۹} و کارگزاران دوران خلافت عثمان مانند یعلی بن ربیع (والی یمن)، عبدالله بن عمرو حضرمی (والی مکه)، جریر بن عبدالله بن جلی (والی همدان)، قاسم بن ربیع (والی طائف)، ابوموسی اشعری(والی کوفه)، عبدالله بن عامر بن کریر (والی بصره)، عبدالله بن سعد بن ابی‌سرح(والی مصر)، معاویه بن اَبوسفیان (والی شام) ^{۲۰} جزء خواص به شمار می‌آیند.

فقه‌ای دوران خلافت خلیفه اول و دوم و سوم، افرادی چون عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابوموسی اشعری، ابودرداء، ابوسعید خدری، عبدالله بن عمر، سلمان بن ربیع، باهلی،^{۲۱} جزء خواص فرهنگی و دینی بودند.

بدین ترتیب مهمتجان که از شواهد فوق معلوم و مشهود است عواملی چون سبقت در ایمان، هجرت از مکه به مدینه قبل از فتح مکه، تحمل شکنجه در سال‌های آغازین بعثت، شرکت در جنگ‌های نخست صدر اسلام، انصاری بودن، عضویت در میان اصحاب صفه، برخورداری از فضائل علمی و اخلاقی، نزدیکی و پیوند از تباط با پیامبر(ص)، عضویت در میان کارگزاران پیامبر(ص) و اساساً نفس صیقلی بودن زمینه رشد و پرورش شخصیت‌های نخبه و برجزده‌ای را در جهان اسلام پدید آورد که پس از نبی مکرم اسلام(ص) به عنوان خواص جامعه مطرح گردیدند که به حصول و قوه الهی در بخش‌های آینده خواهیم دید که چگونه این گروه برگزیده در فراز و فرودهای تحولات دینی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی پس از رحلت آن بزرگوار نقش حساس و بسزایی را ایفا نمودند.

منابع در دفتر روزنامه موجود است

جوان‌ها را جبران کنند؟ زمانی که خیلی با ارزش است در این سن و سال برای ما جوان‌ها، چه طور می‌توانند این را جواب دهند؟

چه طور می‌توانند در صورت‌های اشکبار خانواده‌های ما نگاه کنند؟ چه جوابی برای این خانواده‌های ما دارند؟ سهم آقای موسوی از این رنج و منتقنی که ما در این جا می‌کشیم چه هست؟ از این فریبی که ایشان صحبت کردند چه هست؟ بله، بنده اکنون در محضر دادگاه محترم در آستانه محاکمه هستم اما آقای موسوی، خودتان می‌دانید که جایگاه ما در این‌جا نیست. جایگاه کسانتی این‌جا است مثل شما و دوستان سیاسی شما که مسبب این کار و فتنه بودند.

جناب آقای قاضی، یک صحبتی هم با رهبر معظم انقلاب دارم، می‌دانم خیلی از دست ما ناراحت هستند و می‌دانم گذشت ایشان خیلی بالاتر از این حرف‌ها است، خواستیم که صحبت با ایشان بکنم. رهبر عزیز، من و جوانان امثال من شما را همجون پدر خود می‌دانیم و اینک که در این شرایط قرار دارم از شما رهبر و پدر بزرگوار خواسته‌ای دارم و آن این که همان‌طور که شما در سخنرانی ۱۳ ژنب، ولادت حضرت علی(ع) فرمودید، ما جوانان فرزندان این انقلاب و فرزندان شما هستیم، به این که با یک اشتباه از سوی من و امثال من مورد مجازات قرار نگیریم و این [بل] که عاملان اصلی این فتنه و آشوب مجازات شوند.

آقای قاضی، همه به این امر واقف هستند اگر برخی از نامزدها نتیجه انتخابات را می‌پذیرفتند و تمکین می‌کردند به قانون، شیرینی این حضور پرشکوه و ۸۵ درصدی به کام مردم ما تلخ نمی‌شد. جناب آقای قاضی، من از آن پدر فرزانه و بزرگوار، درخواست دارم با بخشش جوانان این مرز و بوم که آینده‌سازان این مملکت هستند باعث شوند من و امثال من بار دیگر به آغوش جامعه اسلامی و خانواده‌هایمان باز گردیم و اشخاصی که پایه‌گذار این اشتباه و این فتنه بودند، مورد مجازات قرار گیرند.

قاضی: اصلی در ارتباط با سازمان رای و…

متهم، اصلانی، آقای قاضی، من عرض کنم که انتخابات سوم شورا‌ها بود‌که یکی از آشنایان من آمد و گفت: یک تعداد اسم می‌دهید رای می‌دهند به لیست اصلاح‌طلبان در شورای سوم.

بنده دیگر هیچ فعالیت در این زمینه نداشتم چون بعد از آن به خدمت مقدس سربازی اعزام شدم، هیچ فعالیتی نداشتم و این که در مورد ارسال ایمیل به شبکه بی بی‌سی، بله، من قبول دارم در این زمینه اشتباه کردم و خواستار عفو هستم.

قاضی: بعد از انتخابات ایمیل‌زدی؟

متهم: بله.

قاضی: چه تعداد؟

متهم: یک ایمیل قبل از انتخابات و دو ایمیل بعد از انتخابات.

قاضی: با چه مضمونی؟

متهم: مضمونش که واقعا یکی این بود که تماس می‌گیرم. این عرض کنم که آقای قاضی، واقعا من فکر می‌کردم اگر با این مضمونی که عرض می‌کنم.

خدمتتان، فرستادم مضمونش درست نبود و خواهش می‌کنم. در داخل دادگاه ارائه ندهند، فکر می‌کردم. واقعا ناراحت بودم.

جناب آقای قاضی، این را مطمئنا کارشناسان و بازرخواست من و امثال من در داخل پرونده نوشته‌اند، بنده از همان اول که آمدم تمام را صافدانه خدمتتان عرض. کردم، من فکر می‌کردم اگر از این شبکه انتقاد کنم نمی‌توانم صحبت کنم. خیلی متأسف بودم این شبکه یک جنگ را ایجاد کرده بود و می‌خواست این اعتراضات را به آشوب بکشند و صحنه‌های خیلی بدی را نشان می‌داد.

فکر می‌کردم با این نحوه فرستادن ایمیل به آنها با من تماس می‌گیرند و من اعتراض را نسبت به آنها اعلام می‌کنم اما این‌جا متوجه شدم که کارم اشتباه بوده است.

قاضی: از وکیل محترم درخواست می‌شود در جایگاه قرار بگیرند و دفاعیات خودشان را اعلام کنند!